معنی اصالت وجود در وجود ذهنی

شماره پرسش: ۲۵۷۲

تاریخ ارسال پرسش: ۰۷:۰۰:۰۰ ۱۳۹۱/۷/۱۰

متن پرسش

با سلام جناب استاد در خصوص بحث ماهیت و وجود من دچار مشکل شدم چون حس میکنم در بحث اصالت وجود مطلب به نحوی ارائه میشود و در بحث وجود ذهنی به نحو دیگر در اصالت وجود مطرح میشود انچه در خارج تحقق دارد وجود است بعد نفس ما از طریق قوای خود با وجود خارجی ارتباط پیدا میکند و وجود خارجی که دارای تشکیک هست را بصورت صور و ماهیتها درک می نماید یعنی ما در خارج صورتها و ماهیت نداریم و وجود خارجی به صورت وجودی برای ما محسوس نیست بلکه معقول است و توسط براهین به وجود ان پی میبریم بلکه به صورت ماهیت ها انرا درک میکنیم و نفس انها را در اثر ارتباط با وجود خارجی میسازد ولی در خارج ماهیت نداریم بعد این ماهیت بوسیله نفس در ذهن تحقق پیدا میکند که همان وجود ذهنی میشود یعنی اگر ما از ذهن ازاد شویم دیگر عالم خارج را بصورت ماهیتها نمیبینیم این ان چیزیست که از اصالت وجود فهمیده میشود. ولی در بحث وجود ذهنی میگوییم در خارج صورتها را داریم نفس از طریق قوا انها را میگیرد و در ذهن تحقق میدهد این خلاف بحث اصالت وجود است یا عوارض که جز ماهیت ها هست را میگیرد در صورتیکه ما در بیرون عوارض نداریم بلکه نفس وقتی وجود خارجی را بصورت ماهیت درک کرد ان ماهیت را به جوهر و عرض تقسیم میکند در صورتیکه ما در بیرون فقط وجود داریم که نه جوهر است نه عرض سوالی دیگر هم پیش میاید و ان این است که اگر ما قبول کنیم نفس وقتی صورتها را تشکیل و تحقق داد چرا همین را درباره خارج نگوییم که در بیرون هم ما صورت داریم و انها توسط وجود تحقق پیدا کرده است که البته با بحث اصالت وجود تداخل دارد چون انجا میگوییم اگر در خارج هم ماهیت داشته باشیم یا باید با وجود متحد باشد و الی اخر حالا همین در مورد وجود ذهنی هم پیش میاید که این صورتها در ذهن ایا با وجود متحد است و همان بحثها خلاصه ما نفهمیدیم چه شد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: همین‌طور که مستحضرید اصالت وجود روشن می‌کند وجود در مراتب مختلف و یا در شرایط و زمینه‌های مختلف به صورت‌های متفاوت ظهور می‌یابد، حال اگر آن صورت ـ که چیزی نیست جز حدّ وجود ـ در ذهن آمد از آن‌جایی که عارضی بر ذهن شده چیزی جز حقیقت شیئ خارجی است. می‌گوییم همان وجود است که در مرتبه‌ای خاص ـ که وجود در آن مرتبه نسبت به مرتبه‌ی شیئ خارجی در مرتبه‌ی بالاتری قرار دارد که موجب مجردشدن آن وجود شده - به صورت علم ما در آمده زیرا نفس ناطقه با روبه‌روشدن با شیئ خارجی مستعد می‌شود تا وجودی با همان صورت

در ذهن خود ابداع کند که به آن وجود ذهنی می‌گویند که به حمل اولیِ ذاتی همان شیئ خارجی است هرچند از نظر درجه‌ی وجودی در مرتبه‌ی علم قرار گرفته. فراموش نفرمایید وجود ذهنی چیزی نیست جز علم و علم مقول به تشکیک است، یعنی یک حقیقت وجودی است. پس در هر حال اصالت وجود ثابت است و ماهیت بالعرض مطرح است. موفق باشید